موضوع پژوهش

**تطبیق مسائل و قواعد اصولی بخش احکام قبله در کتاب الروضه البهیه فی شرح لمعه الدمشقیه ( در سطح مقدماتی)**

نام محقق

سیدمحسن خُراشادی زاده

استاد راهنما

حجت الاسلام قدوسیزید عزه)

مقطع تحصیلی

پایه پنجم

سال تحصیلی

1398-99

مرکز آموزشی

مدرسه علمیه علوی قم

بسم الله الرحمن الرحيم

**تقدیم:**

قابل تقدیم به شخصی نیست.

**تقدیر:**

با تشکر از همه اساتید محترم.

**چکیده:**

در این نوشته سعی گردید که قسمتی از احکام قبله کتاب شریف لمعه را به روش تطبیقی و تحلیل اصولی متن بررسی نماییم.

کلید واژه: اصول فقه، فقه، قبله، تطبیق، قواعد اصولی

فهرست

[فهرست 2](#_Toc41774702)

[مقدمه: 3](#_Toc41774703)

[فصل اول: مفاهیم و کلیات 4](#_Toc41774704)

[قسمت اول: تعریف اجمالی علم فقه: 4](#_Toc41774705)

[قسمت دوم: تعریف اجمالی علم اصول فقه: 4](#_Toc41774706)

[قسمت سوم: معرفی اجمالی کتاب لمعه: 4](#_Toc41774707)

[فصل دوم: ترجمه و توضیح متن. 5](#_Toc41774708)

[قسمت اول ترجمه و توضیح فقره اول متن: 5](#_Toc41774709)

[قسمت دوم: ترجمه و توضیح فقره دوم متن: 5](#_Toc41774710)

[قسمت سوم: ترجمه و توضیح فقره سوم متن: 6](#_Toc41774711)

[قسمت چهارم: ترجمه و توضیح فقره سوم متن: 7](#_Toc41774712)

[فصل سوم: تحلیل قواعد اصولی متن: 8](#_Toc41774713)

[قسمت اول: تحلیل قواعد اصولی فقره اول متن: 8](#_Toc41774714)

[قسمت دوم: تحلیل قواعد اصولی فقره دوم متن: 8](#_Toc41774715)

[قسمت سوم: تحلیل قواعد اصولی فقره سوم متن: 9](#_Toc41774716)

[تحلیل قواعد اصولی فقره چهارم متن: 9](#_Toc41774717)

[منابع: 10](#_Toc41774718)

مقدمه:

همان گونه که در تعریف علم فقه و اصول فقه ملاحظه می گردد، علم فقه عبارت است از علم به احکام شرعیه فرعیه از ادله. و علم اصول فقه عبارت است از قواعدی که نتیجه آنها در طریق استنباط حکم شرعی واقع می گردد.

لذا همانطور که تعاریف معلوم میگردد علم فقه و اصول فقه رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. و علم اصول مقدمیتی بر علم فقه دارد. و یکی از مسائل بسیار مهم در فقاهت درک صحیح این رابطه و فهم طریقه و نحوه به کار گیری قواعد اصولی در علم فقه می باشد.

لذا در این نوشته برآنیم که با توجه به کتب اصولی مختلف نحوه بکارگیری قواعد اصولی را توسط شهیدین اول وثانی در کتاب شریف روضه البهیه فی شرح لمعه الدمشقیه را مورد بررسی و تطبیق قرار دهیم.

# فصل اول: مفاهیم و کلیات

## قسمت اول: تعریف اجمالی علم فقه:

فقه به علم به احکام شرعی فرعی از دلیل های تفصیلی گفته می شود و در لغت نیز فقه به معنای فهم عمیق دقیق می باشد.

آموزه های اسلام به قسم تقسیم می گردند.:

اول: معارف واعتقادات

دوم: اخلاقیات

سوم: احکام و مسائل عملی

که علم فقه متکفل قسم سوم از این تعلیم یعنی احکام و مسائل عملی می باشد.

## قسمت دوم: تعریف اجمالی علم اصول فقه:

اصول فقه دانشی است که پیرامون قواعد استنباط حکم شرعی می باشد.

مشهور اصولیین علم اصول فقه را اینگونه تعریف کرده اند که : العلم بالقواعد الممهده لاستنباط الاحکام الشرعیه الفرعیه. که البته اشکال هایی نیز به این تعریف شده است.

## قسمت سوم: معرفی اجمالی کتاب لمعه:

کتاب اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه مجموعه ای از فقه امامیه می باشد که نویسنده آن مرحوم محمد بن مکی جزینی عاملی معروف به شهید اول است. که شهید ثانی شرحی بر آن به نام الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه نوشته است. که از زمان نوشتن این کتاب شریف فقها به آن توجهی خاص داشته اند. و تا به الآن جزو کتاب معتبر فقهی می باشد.

# فصل دوم: ترجمه و توضیح متن.

## قسمت اول ترجمه و توضیح فقره اول متن:

متن: و يجوز أن‏ يعول على قبلة البلد من غير أن يجتهد إلا مع علم الخطأ فيجب حينئذ الاجتهاد، و كذا يجوز الاجتهاد فيها تيامنا و تياسرا و إن لم يعلم الخطا. و المراد بقبلة البلد محراب مسجده، و توجه قبوره، و نحوه، و لا فرق بين الكبير و الصغير. و المراد به بلد المسلمين فلا عبرة بمحراب‏المجهولة كقبورها. كما لا عبرة بنحو القبر و القبرين للمسلمين، و لا بالمحراب المنصوب في طريق قليلة المارة منهم.

ترجمه و توضیح: شهید میفرمایند که اعتماد بر قبله بلاد جائز می باشد و اجتهاد و تفحص لازم نیست مگر اینکه علم به اشتباه بودن قبله داشته باشد. که در این واجب است اجتهاد و تفحص کند. و همچنین اجتهاد در تیامن و تیاسر ( مقداری به چپ یا راست) جایز است هر چند که علم به خطا نداشته باشد(زیرا احتمال خطا اهل بلاد در تیامن و تیاسر وجود دارد) و مراد از قبله بلد جهت محراب مساجد آن بلد و جهت قبور آن و مانند اینها می باشد و فرقی نیز بین بلد کبیر و صغیر وجود ندارد . و همچنین مراد از بلد، بلد مسلمین می باشد لذا بلدی که مجهول باشد به محراب و قبور آن اعتباری نیست و همچنین به یک یا دو قبر هم نمی شود اعتماد نمود بلکه جهت قبور اعتبار دارد.و همچنین محرابی که در راه رفت آمد وجود دارد اعتباری ندارد.

## قسمت دوم: ترجمه و توضیح فقره دوم متن:

متن: و لو فقد الأمارات‏ الدالة على الجهة المذكورة هنا و غيرها قلد العدل العارف بها رجلا كان أم امرأة حرا أم عبدا. و لا فرق بين فقدها لمانع من رؤيتها كغيم، و رؤيته‏ كعمى و جهل‏ بها كالعامي مع ضيق الوقت عن التعلم على أجود الأقوال‏ و هو الذي يقتضيه إطلاق العبارة. و للمصنف، و غيره في ذلك اختلاف.

ترجمه و توضیح: حال اگر برای شخصی هیچ یک از اماراتی که دلالت بر جهت قبله کند وجود نداشت باید از شخصی عادل و عارف به جهت قبله تقلید کند حال آن شخص چه مرد باشد یا زن و چه آزاد باشد و یا بنده.

و تفاوتی وجود ندارد در نبود امارات بین اینکه این فقدان اماره به خاطر مانعی در رویت باشد مانند اینکه آسمان ابری باشد و یا اینکه شخصی نابینا باشد و نتواند ببیند و یا اینکه شخصی عامی باشد و علم به تشخص جهت قبله از امارات را نداشته باشد و وقت صلاه نیز تنگ باشد در این صورت اطلاق عبارت شهید اول او را نیز شامل می شود. و البته میان شهید اول و دیگر فقها در این موضوع اختلاف نظر وجود دارد.

## قسمت سوم: ترجمه و توضیح فقره سوم متن:

متن: و لو فقد التقليد صلى إلى أربع جهات متقاطعة على زوايا قوائم‏ مع الإمكان، فإن عجز اكتفى بالممكن. و الحكم بالأربع حينئذ مشهور، و مستنده ضعيف‏ و اعتباره حسن، لأن الصلاة كذلك‏ تستلزم أما القبلة أو الانحراف عنها بما لا يبلغ اليمين و اليسار، و هو موجب للصحة مطلقا و يبقى الزائد عن الصلاة الواحدة واجبا من باب المقدمة، لتوقف الصلاة إلى القبلة أو ما في حكمها الواجب عليه‏ كوجوب الصلاة الواحدة في الثياب المتعددة المشتبه بالنجس لتحصيل الصلاة في واحد طاهر، و مثل هذا يجب بدون النص، فيبقى النص له شاهدا و إن كان مرسلا.

و ذهب السيد رضي الدين بن طاوس هنا إلى العمل بالقرعة استضعافا لسند الأربع مع ورودها لكل أمر مشتبه، و هذا منه و هو نادر.

ترجمه و توضیح: و اگر شخصی نتوانست تقلید کنند باید به چهار سمت متقاطع نماز بخواند و اگر باز نتوانست (مثلا به دلیل ضیق وقت) باید به همان مقدار که ممکن است اکتفا نماید.

و حکم به نماز خواندن به چهار طرف مشهور است و هر چند که مستند آن ضعیف می باشد ولی اعتبار آن حسن است چرا که نماز خواند به این صورت مسلتزم این است که شخص به سمت قبله ویا اینکه با انحراف کمتر از به سمت راست یا چپ قبله نماز بخواند. و این صورت نماز خواند صحیح می باشد.

و همچنین با این فرض نماز هایی که زائد بر آن نمازی که در حقیقت رو به قبله خوانده می شود واجب است از باب مقدمه علمی واجب است. چرا که صحت نماز متوقف است به رو به قبله بودن و برای علم به این که سمت به قبله نماز می خوانیم باید به چهار طرف نماز خواند؛ مانند خواندن یک صلاه واحد در ثیاب های متعدد زمانی که آن ثیاب ها مشتبه به نجاست هستند. و لذا وجوب این حکم بدون نص نیز ثابت می گردد و البته که نصی به عنوان شاهد بر این حکم داریم هر چند نص مرسل است.

و سید رضی نیز در این قائل به عمل به قرعه شده است چرا که قرعه برای هر امر مشتبهی است ولی این نظر نادر است.

## قسمت چهارم: ترجمه و توضیح فقره سوم متن:

و لو انكشف الخطأ بعد الصلاة بالاجتهاد أو التقليد حيث يسوغ أو ناسيا للمراعاة لم يعد ما كان بين اليمين و اليسار أي ما كان دونهما إلى جهة القبلة و إن قل‏.

و يعيد ما كان إليهما محضا في وقته‏ لا خارجه‏ و المستدبر: و هو الذي صلى إلى ما يقابل سمت القبلة الذي تجوز الصلاة إليه اختيارا يعيد و لو خرج الوقت‏ على المشهور جمعا بين الأخبار الدال أكثرها على إطلاق الإعادة في الوقت، وذ بعضها على تخصيصه بالمتيامن و المتياسر و إعادة المستدبر مطلقا. و الأقوى الإعادة في الوقت مطلقا لضعف مستند التفصيل الموجب لتقييد الصحيح المتناول بإطلاقه موضع النزاع.

الشکل و على المشهور كل ما خرج عن دبر القبلة إلى أن يصل إلى اليمين و اليسار يلحق بهما، و ما خرج عنهما نحو القبلة يلحق بها.

ترجمه و توضیح:

اگر بعد نماز خواندن با اجتهاد قبله و یا تقلید قبله بنا بر این که اماراتی را برای جهت قبله به دست نیاورد فهمید که در جهت قبله اشتباه کرده و یا این که فراموش کند که قبله را مراعات نماید و بعد بفهمد که اشتباهی خوانده . در صورتی که انحراف شخص از قبله به مقدار فاصله فاصله راست و چپ او نبوده بلکه کمتر از آن باشد نماز صحیح است و اعاده نمی خواهد.

و اگر انحراف شخص به مقدار سمت راست و چپ خود باشد در صورتی که در وقت نماز به اشتباه خود پی ببرد نمازش را باید اعاده نماید ولی اگر در خارج وقت متوجه شود قضاء نماز لازم نمی باشد.

و اما شخصی که پشت به قبله نماز خوانده است بنا بر نظر مشهور باید نماز خود را اعاده نماید حتی اگر وقت آن گذشته باشد

و این دو نظر جمعی بین روایاتی که مطلق است و دلالت بر اعاده نماز در داخل وقت دارد فقط و روایاتی که اعاده در داخل وقت را مختص کسی می داند که انحراف قبله او به مقدار فاصله بین راست و چپ می باشد و اعاده در داخل و همچنین خارج وقت را مخصوص شخصی می داند که پشت به قبله نماز خوانده است.

و اما شهید ثانی نیز می فرمایند که نظر اقوی این است که اعاده نماز در داخل وقت لازم است مطلقا و دلیل قول مشهور که بین دو دسته روایات فوق تفاوت قائل بوده اند را ضعیف می داند. و آن هم فرق گذاشتنی که باعث این می شود که روایت صحیح دسته اول را که اطلاقشان محل نزاع می باشد را به وسیله روایات دسته دوم مقید کنیم..

نکته ای که در آخر شهید می فرمایند این است که هر انحرافی که از پشت به قبله خارج شود و به سمت راست و چپ برود تا زمانی که به سمت راست و چپ نرسید در حکم همان راست و چپ است!!!

و هر انحرافی که از نقطه راست و چپ خارج شده و به طرف قبله آمده در حکم قبله است.

# فصل سوم: تحلیل قواعد اصولی متن:

## قسمت اول: تحلیل قواعد اصولی فقره اول متن:

حجیت سیره متشرعه: شهید می فرمایند که : يجوز أن‏ يعول على قبلة البلد؛ علت این جواز اعتماد به قبله بلد، حجیت سیره و عرف متشرعه می باشد. لذا اگر قائل به حجیت شدیم سیره شدیم حکم به جواز اعتماد به قبله بلد مسلمین می کنیم ولی اگر قائل به جواز نشدیم این حکم را نمی دهیم.

حجیت قطع: شهید می فرمایند که: إلا مع علم الخطأ؛ که بیانگر حجیت قطع و اولی بودن علم و قطع بر دیگر چیز ها می باشد لذا اگر شخصی قطع پیدا کرد که قبله بلدی اشتباه می باشد نباید به آن اعتماد نباید و باید خودش اجتهاد و تحقیق کند.

مقدمه واجب: شهید می فرمایند : فيجب حينئذ الاجتهاد؛ به نظر می رسد که ایشان اجتهاد را به دلیل وجوب مقدمه واجب، واجب دانسته اند به این بیان که چون رو به قبله نماز خواند واجب است لذا اجتهاد از قبله نیز واجب می باشد.

## قسمت دوم: تحلیل قواعد اصولی فقره دوم متن:

قاعده اول: اطلاق: شهید اول می فرمایند: ( و لو فقد الامارات قلد) و همان طور که شهید ثانی نیز می فرمایند کلام شهید اول اطلاق دارد و چون مقدمات حکمت نیز وجود دارد می توان اخذ به اطلاق نمود. لذا آن کسی که از او تقلید می شود چه زن باشد و یا مرد و چه عبد باشد و یا حر ایرادی ندارد و همچنین فقد امارات به هر دلیلی که باشد می توان در آن تقلید نمود.

قاعده دوم: در باب مشتق و تلبس آن به مبدا فعل: که شهید می فرمایند : قلد العدل العارف؛ که اگر بنا بر نظر مرحوم مظفر مراد آنی است که متلبس به مبدا فعل باشد و نه اعم متلبس و ما انقضی عنه المبدا.

## قسمت سوم: تحلیل قواعد اصولی فقره سوم متن:

قاعده اول: مقدمه علم: شهید می فرمایند که : يبقى الزائد عن الصلاة الواحدة واجبا من باب المقدمة؛ که برای این که اطمینان حاصل شود که ذی المقدمه امتثال گردیده است می بایست که به چهار طرف نماز خواند.

قاعده دوم: شهرت فتوایی: که شهید می فرمایند: و الحكم بالأربع حينئذ مشهور؛ که منظور از شهرت در اینجا شهرت فتوایی می باشد زیرا مستند معتبری بر این فتوا وجود ندارد. و شهید اول شهرت فتوائیه را حجت می دانند.

قاعده سوم: غیر مستقلات عقلیه: که شهید می فرمایند که : هذا يجب بدون النص، فيبقى النص له شاهدا و إن كان مرسلا.؛ که به دلیل حجیت غیر مستقلات عقلیه و حکم عقل لذا این حکم را می توان داد هر چند روایاتی نداشته باشیم.

## تحلیل قواعد اصولی فقره چهارم متن:

قاعده اول: شهید می فرمایند: جمعا بين الأخبار الدال أكثرها على إطلاق الإعادة في الوقت که جمع عرفی حمل مطلق بر مقید میباشد.

قاعده دوم: اطلاق که در این فقره نیز وجود دارد.

# منابع:

1. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه مرحوم، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، 1430ق، ایران، قم
2. سبحانی تبریزی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، موسسه الامام الصادق (علیه السلام)، چاپ چهاردهم، سال 1387، ایران،قم
3. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه علم اصول، چاپ اول، 1389ش، قم
4. عبدی ، محمد حسین، الاساس فی اصول الفقه، الاداره العلیا للحوزات العلمیه، چاپ دوم، 1398ش، قم.ایران
5. عاملی، شهید ثانی ، زین الدین بن علی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه اللدمشقیه، 4 جلد، مجمع الفکر الاسلامی، قم ، ایران ، 1424هق